



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۰/۲۰

ملک الشعراء محمد نسیم اسیر

«هرکسی مرد است او را می کشند»!

عنوان بالا مصرع یکی از شاه بیت های مرحوم استاد «سرآهنگ» سرتاج موسیقی وطن دریکی از محافل خصوصیت که به اعزاز واکرام «اسدالله حبیب»، رئیس پوهنتون خلق وپرچم، فعالمقیم شهر هامبورگ المان خوانده شده است. اصل بیت که یک مصرع آنرا با تغییریک کلمه درسروده ذیل تضمین کرده ام چنین است:

هر کسی مرد است او را می کشند

ای برادر «دله» باش و زنده باش

درین محفل خصوصی که من رادیوکست آنرا شنیده ام و البته مطالب را به مفهوم نقل قول می کنم، حضوراستاد کاملاً جنبه انتقادی دارد، چنانکه اولین آهنگ را با این دوبیتی آغاز می کند:

خداوندا بگردان این بلا را

ازین آفت رها سازی تو ما را

به حق هر دو گیسوی محمد

زبون گردان زبردستان ما را

در چنین گردهمایی ها طبعاً اراکین حزبی پوهنتون و تعدادی از خادیت های با قدرت نیز اشتراک داشتند و استاد بی پروا و بدون ترس بر همه چیز و همه کس با صحبت و شاه بیت ها می تازد و در جایی با خاموش ساختن ساز، خطاب به اهل مجلس می گوید، جوان ها من از شما یک سؤال دارم و سؤال هم اینست که «فرق بین مردماری و دولنداری چیست؟»، در برابر این سؤال سکوت مرگباری حکمفرما می شود و ناگزیر خود استاد، رشته سخن را به دست گرفته می گوید، عجب است هنگام صحبت در مظاهره ها، دهن هر کدام تان قف می کند و حالا جواب یک سؤال عادی را داده نمی توانید؟

«نقل به مفهوم» و با کلمات انتقادی شدید مطالبی اظهار می کند. سخنان استاد چنان انتقادی شدید است که به قول یکی از دوستان، استاد درین محفل حکم قتل خود را خود صادر کرده است.

سرناج موسیقی به رحمت حق پیوست و یا به سلسله دیگر انتقاد هایش بر رژیم، به قول محترم عارف عزیز گذرگاه، کشته شد آنهم در شفاخانه صدری تحت نظارت و مراقبت دکتوران حاذق «؟؟»، اما قتل و کشتار تا امروز ادامه دارد و ما هر روز شاهد حوادث جانگداز خونین هستیم.

اینک به سلسله قتل های زنجیره ئی، جنرال «عبدالرازق»، فرزند صدیق و راستین وطن که با وجود پشتون بودن، از طالبان پشتون جانبداری نکرد و همیشه انگشت انتقادش به سوی پاکستان و آی. اس. آی. حامی طالبان اشاره می نمود، جام شهادت نوشید و قلب اکثریت مردم که دوستدار شجاعت و حقیقت گوئی اش بود داغدار ساخت. روحش شاد و جایگاهش بهشت برین بادا:

ما مگر باز چیه دنیاستیم؟	آله دستي به چندین جاستیم؟
واقعیت در دیار ما گم است	گرچه در هر واقعه پیداستیم
گه به چنگ انگلیس افتاده، گاه	پایمال روس و امریکاستیم
گه ز شرق و گه ز غرب آید فساد	عامل این رفت و آمد هاستیم
در زمان راستی، کج می رویم	ور کژی باشد، در آنجا راستیم
سر به رسوائی کشیده کار ما	هر کجا جنگ است در آنجاستیم
با شعار مردی و مردانگی	در جهان کس نیست، تنها ماستیم
لیک با این جمله شور و شعف	ما که خود از هر کسی بالاستیم
گر کسی با مردی سر بالا کند	دشمن جانش به یک ایماستیم

«هر کسی مرد است او را می کشیم»

وه عجب مخلوق این دنیاستیم

م. نسیم «اسیر» ۱۹ اکتوبر ۱۸ع، فرانکفورت



هر کسی مرد است او را میکشند

Assir_nacim_harkassey_mardast_oramekoshand.pdf